



## تأثیر شرایط اقلیمی بر گونه‌های داوطلبی

داوطلب چیست؟ به نوجوانی که کنترل انگشت اشاره‌اش دست خودش نیست و راه به راه بالا می‌آید و آمادگی صاحبش را جهت انجام حرکات محیرالعقول اعلام می‌کند (حتی اگر آمادگی نداشته باشد)، داوطلب می‌گویند.

**انواع داوطلب:** دانشمندان در تحقیقات علمی خود سه گونه‌ی مختلف از داوطلبان را کشف کرده و زندگی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

**گونه‌ی اول:** این تعداد از داوطلبان به علت شرایط اقلیمی خاصی که در آن زیست می‌کنند، شخصیتا خودجوش و همیشه وسط معرکه هستند و از توی قنداق یاد گرفته‌اند که در هر کاری، از پاک کردن سفره تا رفع ترکیدگی لوله، پیش قدم باشند.

**گونه‌ی دوم:** این افراد عموماً در ژانر وحشت و بعضاً در ژانر کمدی فعالیت می‌کنند و تن‌شان به علت حمام نکردن برای انواع کل‌ها می‌خارد و آمادگی اجرای هرگونه عملیات آرتیستی، از خوردن سوسک زنده گرفته تا انفجار ترقه جلوی پای مدیر مدرسه، را دارند.

**گونه‌ی سوم:** این‌ها یک گونه‌ی خاص از داوطلبان هستند که به دلایلی نامعلوم تن‌شان می‌خارد. اما این خارش به دلیل حمام نرفتن نیست، بلکه ناشی از فوران عاطفه و این بساط‌هاست که باعث می‌شود این عده از شدت فکر کردن به بشر محترم و تلاش برای رفع نیازهای او، سر راحت روی بالش نگذارند. اگر هم بگذارند، بیش‌تر وقت‌ها خواب‌شان خیلی سبک است. حداقل خر و پف نمی‌کنند.

### انواع نیاز:

**۱. نیاز معلم به درس پرسیدن:** این‌جا همان جایی است که می‌توانید به وسیله‌ی بالا بردن انگشت اشاره‌ی خود، نقش یک داوطلب از جان‌گذشته را بازی کنید و خیال کل کلاس را با این حرکت انسان‌دوستانه راحت کنید و عاقبت به‌خیر بشوید. البته دقت کنید که اگر درس‌تان را نخوانده باشید، از میزان عاقبت‌به‌خیری‌تان کم می‌شود.

**۲. نیاز والدین به نانوائی سر کوچه یا ماست توی بقالی یا مرتب شدن خانه:** پیشنهاد من به شما این است که خیلی سنگین و رنگین و داوطلبانه برای انجام این گونه امورات خانه بشتابید و حداقل از خودتان شخصیتی مردمی و خانواده‌دوست نشان دهید و گرنه مجبورید همه‌ی آن کارها را مجبوری و به زور انجام بدهید و تازه آنگ بی‌خاصیت بودن هم به‌تان بخورد. به هر حال شتری است که در خانه‌ی شما خوابیده، یک‌جوری با شتره کنار بیاید.

**۳. نیاز رفقا به مرام و معرفت:** این یکی را خودتان بهتر بلدید. فقط تعریف‌تان را از مرام و معرفت اصلاح کنید. مثلاً آن بخش از مرام که به‌خاطر رفیقات زیر چشم طرف بادمجان بکاری، فقط به‌خاطر این که چپ‌چپ به رفیقات نگاه کرده، الان مد نظر ما نیست. منظور، انواع متمدانه‌ی مرام است. بحث را باز نمی‌کنم!

**۴. نیاز بشریت به کمک:** بشر محترم در طول اعصار احتیاج فراوانی به کمک هم‌نوعان خود داشته و چشم‌انتظار همان‌هایی است که از زور عاطفه سر راحت روی بالش نمی‌گذارند. اگر هم بگذارند خواب‌شان سبک است، یا حداقل خر و پف نمی‌کنند.

## باید انقدر با کمال (و زهرا)

### کوله‌ای برای پیکسل‌ها

#### حانه شجاعی

تو: برام از کوله‌پشتی بنویس. جنسش هم فرقی نمی‌کنه. کاغذی باشه یا پارچه‌ای. شاید هم عضو هلال‌احمری و یه کوله‌پشتی امداد و نجات اساسی داری. اگه عکس کوله‌ات رو هم بفرستی که دیگه ایمیل ما رو ترکوندی و یه "ایووووول دمت گرم" توپ پیش خود ده‌هفتاد و نیمه‌ام داری.

سینا سراوانی و مرضیه برغم‌دی، ممنون از ای‌میل‌تون. راستش تو فکر بزرگ‌تر کردن ستون هستم ولی فعلاً به هر دری زدم نشده. به محض موفقیت، همکار ده‌هفتاد و نیمه‌ی واجد شرایط هم استخدام می‌کنم به جون خودم:)

**پی‌نوشت:** راستی برای صفحه‌ی هفت از انیمیشن‌هایی که دوست دارین نوشتین و فرستادین؟ نه هنوز؟ بین خودمون باشه، دو سه تا ده‌هفتاد و نیمه‌ی شصت و نیمه‌ی این دور و برا هستن که می‌گن نسل اونا بوده که با قلم و کاغذ و چاپار برای مجله‌هاشون گونی گونی نامه می‌نوشتن و ده‌هفتاد‌های اینترنت‌باز تنبل‌تر از این حرفان. شما که نمی‌خوانین اونا رو دچار توهم "راست می‌گم" پنداری کنین. ها؟! می‌خوانین؟ پس این ای‌میل و این هم همت عالی شما!

koolehposhty@gmail.com

#### شکیلا:

نمونه‌ی یه کوله‌باز حرفه‌ای، چه کوله‌پشتی‌اش خون‌دنی باشه، چه پوشیدنی. تازگی‌ها هم که با یه کوله‌ی قرمز و مشکی رویت شده که خودش در قبالت سکوت کرده، اما رعنا ادعا داره مال عملیات امداد و نجات‌هاییه که با هلال‌احمر می‌ره و رو نمی‌کنه که دست زیاد نشه.

#### مریم:

عنوان زجر کشیده‌ترین کوله‌پشتی سال به کوله‌ی مریم تعلق گرفت. چون پهلو می‌بینی حال نداشت و کوله‌پشتی‌اش رو ول کرد وسط خیابون، بهش گفت خودت بیا.

#### مبینا:

یه‌جوری با کوله‌پشتی‌اش رفتار می‌کنه که خیلی‌ها با بچه‌شون اون‌جوری رفتار نمی‌کنن.

#### من:

چند وقتی می‌شه که بازار سیاه کوله‌پشتی رو دستم گرفتم و در ازای شارژ کردن بلیت متروم، هر هفته یه‌دونه از این کوله‌پشتی‌ها به اون کوله‌پشتی بچه‌ها اضافه می‌کنم.

از همین کوله‌پشتی که داری می‌خونی و اون کوله‌پشتی که بار علم و دانش رو می‌ریزی توش بگیر تا کوله‌پشتی امداد و نجات هلال‌احمر که ممکنه واسه‌ی خیلی‌ها فرشته‌ی نجات باشه، همه‌شون اسم‌شون کوله‌پشتیه. ولی این کجا و آن کجا؟

#### رویا:

واسه این که کوله‌پشتی رویا باشی باید از تربیت و شعور بالایی برخوردار باشی و خودت عقلمت برسه که وزن وسایل رو به‌طور مساوی بین شونه‌ها تقسیم کنی.

#### فرناز و زهرا:

دو دقیقه می‌ریم کوله‌شون رو ببینیم، مگه پیکسل‌هاشون می‌ذارن؟ این دوتا از وقتی تونستن پیکسل رو درست تلفظ کنن، دیگه بی‌خیال نشدن و به‌طور خستگی‌ناپذیری سرمایه‌ی خانواده رو خرج پیکسل برای کیف‌هاشون کردن.

#### رعنا:

کلا همین که یه چیزی داشته باشه که وسایلم رو بریزه توش، واسش کافیه و اصلاً هم به ظواهر قضیه و این که کوله‌پشتی‌اش از جد پدری‌اش بهش ارث رسیده، واسش مهم نیست.